

جای اداره کتبا

سر دبیر میرزا غلامحسین کتبی

مکاتبات و مکاتیب

بعنوان دلیل باشد

فومن . جنگل

هر ماه چهار نوبت طبع و توزیع خواهد شد

کتاب نمره هفت شاهی

کتابخانه

۱۳۳۵

تاریخ زایش شاهزاده همدمی قندهار ۱۳۳۵

تخصیص اجرت لایحه و مطالبات
خصوصی با و افراد ارادت

مکاتیب بدون مضامین
و عنوان پذیرفته نشود

چاپ تراک بدو نوبت در هر ماه

قیمت اشراک

بکار ۵۰ تومان

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است

مدیر مسئول ح. ک

بشارتهای شمال

بطوریکه چندی پیش از این در جراید ایران و فقار
مدرج بود از طرف ملت آزاد روس قشون
روسیه یکطرفه صاحب منصب محترم کماندان روسیه
های رشت و انزلی «گنیا زخیر جادزی» در فومن ملاقات
قائدين جنگلیها و فدائیان گیلان آمد از طرف
جمعیت محرم پذیرفته شد و از جانب ملت اتحاد
اسلام فدائیان ایران آقای میرزا کوچک خان
و دکتر حشمت و آقای سید آقایی و آقای جواد
گلادزانی بسمت نمایندگی منتخب شدند تا اظهارات
مودت آمیز گنیا زرا را صفا نموده و بهر طور
اطمینان باینان بدهند همانطور که روسیه آزاد
مضمون است از این به بعد ایرانیان با اساسی محکم
بطور دوستی و اتحاد رفتار کنند ایرانیان
خاص جمعیت جنگلی و ملت اتحاد اسلام هم همبخت

این دو داد و ستاد شایسته تقدیر را استقبال کرد
با کمال توقیر و احترام مقدم بسیار می پذیرند
قائدين گرام ما مجللاً توسط جراید محلی از این اتحاد
سیمون و مبارک یک اندازه البته مستحق شده
اند و میدانند ایرانیان با یک قول ثابت پایدار
و خلل ناپذیر تا آخرین درجه امکان در این اتحاد
عازم و جازم بوده و خواهم بود
پس از انتشار شماره هشت «جنگل» ثانیاً
یک نماینده محترم دیگر از صاحبمنشان تقدیر روس
قصد رنیکلا یوسج و برودین «بهترین یکطرفه محرم
آقای بیگ آقا سلیم اف در این روزهای
اخیر فومن پس از تحصیل اجازه آمده برای حکیم
و تبیین بدالات پیش شروع به بیانات شد باز
جانب ملت اتحاد اسلام و ایران فدائیان
شهر آقای حاجی احمد قافا و آقای جواد و آقای سید
آقایی ثانیاً منتخب و نقطه که محل ملاقات معین

شده بود رفتند پس از انجام اظهارات شفاهی که چون در پیش نهاد درجه دوستانه بود مراسم سوخت و اتحاد بعمل آمد.

در وقت آخرین مذاکرات خیلی صمیمانه بود و هرگز صیامی اصل و نجس این دو نفر یک خوشخبر از خاطر افراد فدائیان جنگل محو نخواهد شد نخستین بادگار دوستانه است که در قلوب ملوکاران فئادین جنگلبها من الان الی الابد مثبت و ضبط خواهد بود هم گنسیار خبر جاذبه و هم فشرنگلا یو سچ و برون دو نفر نظامیان عالم با اخلاق تربیت طلب و آزادی دوست بودند که اظهارات این دو نفر را در نزد بهترین شایسته صدق و عالی اینانست بیانات ایشان موثر اظهارات مشایخ و اهل کفایت و صیانه است همان اطمینان که این دو نفر صاحب منصب محرم از طرف ملت آزاد خود با بشارت میدهند و یک آیه در شان گویند برای العین می بیند همان اندازه بلکه بیشتر در قلوب صاف پاک افراد جمعیت و هیئت بکنوع محکم امید کاشته شده که علیات آیه طریق بهترین شریترین این شجر است و با پی پاک نایب این اتحاد را نیاز مندان در خواست داشته و خواهیم داشت.

معلم است که در جراید روسیه و جراید قفقاز شرح این ملاقاتها و اتحادها و اتفاقها هر چه زودتر مندرج می شود و ما نیز برای جلب افکار فارغین کرام خود اصل مقصود را که همان اتحاد وفاق دوستانه است در شماره نه جنگل، درج میکنیم و سبوطهان عزیز مقرر کرد در این سال اخیر

بجز اخبار موثر از اسفناک بحری شناخته شده اند بشارت میدهم که از این به بعد از قرار تقریرات صادر فائده این دو نفر فائده محترم نظامی ارتت آزاد روسی بجز بر دوی و برابری و مواسات هیچ مقرر نباید بود.

نام وقایع خونین چند سال اخیر تمام عسکری تمام مجازات حقوق همه ایرانیان در آیه فائده خواهد پذیرفت از این طرف یعنی از شمال ایران بطوریکه تقریرات شایان تقدیر این آقایان هر با با مرده میدهند باید بکلی مطمئن بود و در عوض این عهدها بکعالم محبت و یگانگی اتفاق حقیقی و اتحاد و اطمینان خواهد آمد که تمام آن جراحات التیام پذیرفته دیگر از این طرف قدمی در پی محو استعلال وطن عزیز ما بر نخواهند داشت بلکه بعکس دوست ما دوست و با دشمن ما دشمن خواهند بود راهبها سعادت از شمال بروی ما باز است فقط و فقط اجمال ما دل انگاری ما ندانم کاری ما اگر با اسی وارد نیادند از شمال ایران هیچ اطلاع هیچ دید برای برابری ما بعقل نخواهد آمد با از این طرف وقت خواهند داد تا دارالشورای کبری را افتتاح نموده انتخابات را از روی اساس صحیح بعمل آریم ادارات و دوازه روسی کشوری و کشوری را منظم کنیم و بفرغ غنای در مقام اجایی ما سر بکشیم برائیم مالیه مالک را جمع کرده و بخرج های لازم و واجب مصرف کنیم حکام لایق این صدیق حکومت شهرهای ایالات و ولایات وطن بکاریم تقریرهای غم انگیز تمام است و لذت این عهد هر چه تخمین خود ما کرده ایم و بعضی بر کسی وارد

نیت و بیخ بد را با بیخ سمان جانی بخواهد بود
اما از جنوب !!!

دو بدین جنگ و دو بدین جنگ
یک بدین چو شیر خوانا

همانطور که در قسمت شرقی و جنوبی جزیره بریتانی
ساکن است و فقط در همان جزیره نخواهد رفت
نشته کاری بکار کسی نداشته باشد همانطور که با
ولس «گال» و ایرلند کلنی های مظلوم کار ندارد
همانطور که استرالی از چنگال آسوده است .
همانطور که «هونگ کونگ» اتریش را نهم کرده .
همانطور که هند را اسیر کرده همانطور که مصر
نیتر و آشنای و زنگبار از دولت او حال
میکنند همانطور که سوال - کاپ - نامل
زولوند - گوانگند - تراواتال - اراثر -
تودان - ماله - جبل الطارق در عهد پیش
غنوده اند همانطور که بسلون - بعدا -
بلوچیان - مسقط - عمان - عدن - باب
المنذب - کانادا - گویان - نیوزلاند -
ماداگاسکار - مراکش - الجزایر - تونس
به نیت و تربیت واصل شده اند همانطور که
آنام - و کامبودج - کشنین - سنگال -
سودان غربی - کنگو در کمال استقلال اعداد
عاطفی و ملی ایشان محفوظ است همانطور که بعد
بیت و اندلیون نفوس هند امر قسمت برکش
سینه را اسپر بلا می گلوله های جنگ بین الللی
نمیکنند و در میدان فلاندر قربان مایه
نیروند همانطور که کانادائی و استرالی و نیو
زلاندی و باربنده می راد و وار دامل و فلاندر
از هر قسم زخمی محفوظ میدارد و همانطور بعینه در
جنوب ایران .

فرمانفرما یعنی یک خان دین و دولت
فرمانفرما یعنی یک مشرک بی وطن فرمانفرمای
سنگ و دو دمان و خانواده قاجاریه فرمانفرما
یعنی آنکه گاهی بعضی جلوسگری را هم در عمارت
گلستان طهران می بلعید فرمانفرمای یعنی آنکه یک پیش
را در وزارت خانه می پویند کرده بود یکی را در فرود
همدان مثل یک جاسوس نظامی کار کرده است
بود بگیرد و ولایات بگیرد و امالات بکشد
او غام مسور داشته فرمانفرمای یعنی آنکه در جلوس
میرفت حریت طلب های ایران و زیر مدلیه
آزاد می خواهد شد فرمانفرمای یعنی آنکه چند نفر
دورگ با هم می کاری «دو کتر میکرب» و دو کتر
پارازیت ، ولی نسبت جاسوسی در پانچت
وطن ستمیده با آنها دارد و این خائنین
بطبع استخوانی هزاران خیانت بولن میکنند
ملی فرمانفرما و جنوب است و طمس جنوب
در ایران و عید جشن تولد و تا گلدهاری
انگلیس را در ایران یعنی و جنوب میگیرد
فرمانفرمای یعنی سپر عمومی خر عمل سپردانی حیدر
خان بندر یکی دیگر میخواهم جنوب چه باشد
للسببی مانگوا و القیل ما ولدوا
و النهب ما جموا و النار یازعوا

مطبوعات خارجه
یک مصاحبه درباره ایران
بقیه از شماره قبل

میرزا کوچک خان بی نهایت غیور و وطن پرست بوده طرفدار اتحاد اسلام میباشد. آقای میرزا کوچک خان خیالاتی را که در نظر دارند -

از این قرار است: خروج کلینه قشون روس از ایران لغو کلیه امتیازاتی که بر روس داده شده است الفا کامیولاسیون اصلاحات داخلی مملکت

در ایران مقابل اشخاص غیور مثل آقای میرزا کوچک خان اشخاص وطن فروش هم مثل سبالار هستند این آدم تمام فکر خود را صرف ارتقاء و افتاد کرده و بجای مانع ترقی مملکت است سبالار سابق در تحت نفوذ روس ها مگر اندک حال که او ضاع روسیه و بگرگون شده است خود را تحت حمایت انگلیسها کشیده همین ایام در قزوین سکنی گرفته مقداری از امانی را هم دور خود جمع کرده بنیال جمهوریت افتاده است در صورتیکه قصد این وطن فروش این است که باسم جمهوریت تولید فتنه های تازه در کما بنماید.

اگر چه ما اطمینان داریم که هر قدر سبالار اعظم در این خصوص سعی نماید بیچوجه موفقیتی حاصل نخواهد کرد.

پس انتخابات برای مجلس چه شد؟ برای انتخابات مجلس فرمان شاهی صادر شد ولی تغییر کابینه انتخابات را باخیر انداخت در تهران کیسین انتخابات تکمیل شده است و تا یکی دو ماه دیگر امید داریم است که امر انتخابات

انجام پذیرد عموماً و کلاً و موکرات پارلمان نامزده شده اند در طهران ماچین فرقه و بارها کاغذی امی و کلاً نراعی حاصل شده بود و کلاً بر طرف شد و تمام آنها متحد گشته نامزدهای و کلاً را معرفی کردند.

کابینه حاضر چگونه است؟

در کابینه حاضر اشخاص فعالی وجود دارند مثل آقای مستوفی الممالک که تحصیل کرده و دانش و آقای میرالدوله و موتمن الممالک که در روسیه دوره دار الفنون را دیده اند آقای حاج محمد السلطنه خاص کاروان غیرتمندی هستند ولی تا بحال از این کابینه هم یک جدیت صمیمی دیده نشده که بفعالیت آنها بتوان کاملاً امیدوار بود اولاً لازم است که ایران از تحت فشار اجنبی بیرون آید و از بدخله و انتریک های دیگران محفوظ بماند تا ابر آنها بتوانند نفسی راحت کشند در فکر آتیه خویش باشند عمده ترین باعث ترقی همانا توسعه و بطن معارف و تیزند مکاتب و مدارس جدید است مع التاسف تا بحال کمتر بعلم اهمیت داده و تقویت میکردند! اما حالا خیلی جای شکر است که ابرایمان در این ایجنه ص صاعی شده برای تمام شهرها از طرف وزارت معارف نامورینی و ستاد و شده اند که با مورد مدارس سرکشی کرده در باره معارف اقدامات جدی تری را اتخاذ نمایند.

بعد از این تمام مدارس ایران در تحت پرولیم واحدی خواهند بود امروزه در رشت.

ارویل طهران شهید جمعیت های خیریه تکلیف شده و اینها بطور جدی برای معارف شروع با اقدام میکنند: اما علما در روحانیتین بر چند اکثرشان دشمن ترقی و تجدد هستند لیکن ما رزوه های ملت جرات جرات و مخالفت را ندارند. « بصیرت »

نقل از روزنامه « زمین » خراسان

مجله طلب مصور

ایک نسخه دوم از طلب مصور که اثر آید اما نوع پرستانه آقای دکتر مزین و آقای دکتر مستوفی خان و آقای دکتر علیم الدوله است از طهران برسم مبادله با نشر اداره روزنامه جنگل رسید و در قلیل مدت که ماطبع و توزیع روزنامه جنگل را بقصد گرفته ایم فقط از تهران چند روزنامه قدم طلوع کرده و مبادله ارسال شده ما با سابقه که باحوال تأسیس کنندگان و نویسنده های زبردست انجمن را در دست دار بودیم که تویط مبنوط در مخصوص نوشته بد ماغبها و کله ای که عادی بقرابت روزنامه اند با جرات و هم از اول رمضان تا امروز که دو ماه و نیم است در پاسی تخمی مثل طهران با جالت عالیه دنیا و اسلاآت خارج العاده جای امید و آسایش است که خردمندان و خدام نوع بشر خشکی بخود راه نداده نام مصائب وارده بوطن را کان لم یکن بد داشته هر یک بقدر فهم و استطاعت قدیمی در راه اصلاحات می کنند اما تکی فضایی روزنامه جنگل و کثرت تعارفات معمول در وطن عزیز ما کفایت

حسن و لا ارام را حاجت شایسته

حاجت شایسته حسن و لا ارام را

اما از کثرت دیده شده نام نامی امثال ابو بکر رازی که کلی از طلائف و بزرگتر معلم علم است در ایران گویند از آموزش شود یک دکتر ایرانی که متجاوز از صد جلد اثر علمی دارد که در مثل اروپا نقطه حاصه در نقل خود پسند آن مرد و بوم مثلا در «*Journal*» مجله دهم تا او پیدا است.

انکه گفته دقیق جریان دم را پیش از شروع های بزرگ اروپا دعوی میکرد و آن هم علم که قبل از پاستور «*Pastour*» معروف بود که «*Circulation*» را بدقت با دکارهای بزرگ دنیا سپرد و گرفت.

«*Dee*» یک دیوانه و غیره و غیره از شاهکارهای آن دانشمندان می نموند و این بقدر فراتر ما و ظل السلطان و سه سالار نقل مجالس و نقل محافل نیست.

مجله طلب مصور با یک اسلوب قشنگ عرض اندام کرده ما با یکدیگر نیا صرت و دوام این مجله علمی را در خواست میکنیم و توفیق مستین را از صمیم قلب خواهانیم.

از مقالات آورده مقاصد انگلیس با در جنوب ایران مقاصدی که انگلیس از سا لیان دراز در باره ایران داشتند در این روزها خواهند صورت بدهند یعنی جنوب ایران را هم بسرنوشت نکنند و دستان الحاق میکنند زیرا که مساعدت و

بهر از این وقت پیدا خواهند کرد که در وقت صلح دول علاقه دار الحاق کردیده را امر واقع دانسته ساکت خواهند بود.

عالیه هر یک از دولتهای محارب مشغول مدارکات و تصورات اوضاع آینده خودشان هستند که بعد از اتمام جنگ رخ خواهد داد و از حالیه پشیمان میکنند اسباب میجویند که تا بتوانند خسارتهای وارده را تلافی کنند درین جنگ تجاری معلوم شد که مملکات نامر باره منافع مالی و قسطنطنیه را نسبت بحکومت منجمیده است و انویسیا و انگلیس ۱۰ میلیونها اوزار مملکات را داخل جنگ کردند و اغلب آنها را بقتل رسانیده اند.

عجیب نیست مثنی که برای خودش زینت کرد برای دیگری زینت خواهد کرد و نفی که صاحب ملک نتواند بخورد دیگران خواهند خورد سده مملکات از آن مسائل خیلی با اهمیت است آن اندازه که میشود گفت همه جهت خصوصیت انگلیس با آلمان همان استملاک و دریاها است. خوب ایران از برای انگلیس ۱۰ که چشم از ایران نقطه دوخته اند جهت چندین نظر دارا سی اهمیت است : اولاً معدنیات فاضله و فعال سنگ است که بیک قیمت بزرگ این خاک را فرا گرفته و بعد بایم نزدیکتر واقع شده است.

بقول شخصین معدن نفت شوشتر - اهواز به قدر زیاد است که اگر بمولند اخراج نمایند بوقت با دو کوبه خیلی سخت ضرر خواهد رسید. قریباً « دو درم » هفتاد تومیر لند « مطلق

که اولین محرک و مولد صنایع و تجارت انگلستان میباشد امر دزد و بزوال است و انگلیس با این خصوص خیلی اندیشاک هستند.

ولی « الماس سیاه » ایران جنوبی که مافوق انشانان قیمت آن بخائیش الهی را نمیدانیم. انگلیس با بواسطه خزان خاک جنوب خواهند توانست در پی مقصد جهانگیری بدوند و تمام عالم بقید اسارت در آورند. ولی اصل اهمیت خوب ایران بیشتر از ملاحظات اقتصادی به قیمت فوق العاده بودن اوست که انگلیس با را نشسته این خاک کرده است انگلیس با خوب میدانند که خلیج فارس « Jolfe Percique » در آینده خیلی نزدیک ناچار درجه دارا سی روی بزرگی خواهد شد.

خوبت هنوز دست آلمان با بنام خسیه آن دریایی پر جواهر را ضبط و پیرانرا از دریای بخرم ساخته میواند و چهار اداره و برفند عثمانی بوزاند. راه آهن د اهورغ - استانبول بغداد، در خلیج فارس منتهی است و راه کار اروپا و آسیا را خیلی آسانتر و نزدیکتر کرده است انگلیس میخواهد که در آسیا جاها بندد و سایر راهت خودش گرفته احتیاط ژرمانی را بجلاد و ترقی اسلامی خفه کند.

ولی ایشان کو با فراموش کرده باشند که کلید نام این در و بند را در فسلاند تا ارکون واقع شده است

علاجی بکن کرد دولت خون نماید دولت انگلیس را بگو کلید این کشورندیم حاضر

شده است خصوصاً اخلاقیات غالباً از این دولت از بدو شرطیت در پس این آب خاک بطور قطع نمایند که بهکس این اندازه عهد شکنی در ضمنی را هرگز تصور ننگرد.

ایران در خواب است ولی یک توده خارجی چیرا و زور اود را بکار و اودار را غفلت بیدار خواهد کرد ایران کنونی سرگشته و انگلیس نخبور چرا که بندی . ایرانی ، اتقانی هر سه در حکم و اهدند بیداری ایشان خاصه موقت حق العاده ایران از برای انبساط المانی انگلیس را روز بروز تنگ میکند و حال آنکه ترقی و بیداری این سه قوم حتی است هر چه ایشان مخالفت بکنند بی نتیجه است بلکه نیز باعث ترقی و تولید یک کینت و عداوت دائمی در قلوب آنها خواهد نمود .

من بعد مرکز عالم نه لندن نه پاریس است پان سه مایزوم با دره های دیوآت سبزند می شکند و میرود و خواهد رفت نقشه عالم را هر طور که میل خودش است خواهد تعیین کرد اتوم و غلبی که عصر با در زبر فشار دول حاضر بودند شطر زمانی هستند که حوادث عالم در او معین خواهد شد .

اگر نظر باین نه سال جنگ انگلیس حالت حالیه انگلیس بخوبی معلوم میشود یکی از حکامای سیاسی میگوید فرانسه ماضی بود انگلیس حال است المان استقبال .

و اعدای که در آرون ، در « League » و « League » بیان کرده است باین

انگلیس همان قواعد را در سیاست خود مخلوط و از روسی آن رفتار نمایند .

در عقیده انگلیس با حق فقط منفعت است و حقوق دول هر گاه موافق منافع آنها باشد شروع است و الا نه .

نام عالم بدون استثنا اگر با انگلیس محبت باز باز سیر نخواهد شد ولی ما با کمال صبر و حوصله گذرانیم زمانی را که توای بحریه المان در نقاط لازمه عالم دید شود .

این امر است محقق . یک سیکه به نظر وقت و انصاف آثار محیر العقول مادی ، مضموی ، المان را دیده اند میمانند که این است قادر به هر چیزیست و آنچه میگوید در اجرائی آن حاضر است

ملنی که دایم الاوقات در تنگی خود این گزار را که « آتیه مادی دریا است » خطور میدهد البته بمقصود خود را نایل خواهد گردید .

ولی خوب است با دیده انصاف نگریسته و از عالم امروز عبرت بگیریم کار کنیم وطن را نصیبهای گرانهای اودا به دشمن ندانیم .

ایمی نیست علما که کارخانه سد سازی طهران را کفیر کرده صلاح مملکت اسلامی نمیدانند اکنون بچنانی که یک خط اسلامی با نام مقدساتش رو بوادری نمایرود و ابد اصد برخواستن نمیشود !!!

چرا خاموش نشسته اید !!!

ملنی که حق خودش را صاحب و جویانیت در بکران هرگز غم اود را نخواهند خورد .

عالم انسانیت باور شدن مراضی میدان چاک
 با دست خود تیشه برت و لمن زده و از
 بوادی عدم سوق میدیم .
 رسم زنی بجهای اعرابی .
 این ره که تو میروی بکثافت

ع. درخانی

پیشانی گفتن

بنیاس یکی از حکمای یونان میگوید اگر دروغ
 شهوت و تقارب بانوان قبیح است در
 اطاق خلوت هم نباید بعمل آورد .
 از کجفر شنیدم غالب صحبت با نیکو خوبی پذیر
 گوش میشود راجع بجایات و شهوت آنها
 و خود پرستی است .
 میگویند پیش از این یکی میگفت آذربایجان
 عضو فساد است و باید قطع شود این روزها
 فیلیوف دیگری فایس را عضو ضایع میدانند
 و میخواهند قطع کنند از این قرار بازار فلسفه روح است
 و اگر دوست نداشتن این دانشندان در ایران
 طلوع کنند وطن ما از نقشه دنیا محو خواهد شد
 جایی میگوید حضوت گروه بدتر از تنگ است
 زیرا آن پنهان و این آشکار است .
 هزار خیال بدل همان است که یکی از آن هزار
 در دل بیزبان نیست .

ظرفی میگفت کاری باید کرد که کلاف دست
 خدا نیفتد اگر افتاد گری خواهد زد که صد بار
 و بدان از گوشه آن عاجز خواهد بود
 دیگری میگوید آدم کوتاه نماز صبح از هر چه
 شنبه تراست اگر از پشت بام مسجد سه ساله

سحر گاه و نش کنده چاشت بزین میرسد
 آقا بختی معروف اصفهان و تکیه بکجا میرفت
 مردم علی الرسم آب خزانہ تعارف میکردند
 میفرمود « بی بختین اینجا هم هست »
 گرگی را چوپان کرده بودند باز میگفت

اوپی میگفت نه خری بخور که خر بوده نه خری
 که خر خواهد شد خری باید خرید که خراب شد
 از یکی از حکما پرسیدند خدا بیخ فارسی حرف
 زده گفت بی یکروز که در باب مردم وطن
 با او جل شانه صحبت کردند گفت چه کنیم بگفت
 مردم مهمل بخور زمین
 زایع لب جفتم نشسته هر چه میگویند میگوید

بختتم!

بالتسبیور امریکن میگوید یک امپراطوری
 ویسی که از عناصر مختلفه تشکیل یافته بسی عجیب
 اکثر است دیگری میگوید اداره کردن یک
 خانه محقر که از اهل بیت خیال ضد گشتن داشته
 باشد از آن امپراطوری مشکل تر است

یکصد و هشتاد و بیون نفوسی که با آنها اسم
 روس اطلاق میشود و از متجاوز از عت زیاد
 مختلفه ترکیب یافته و بیست زبان گوناگون
 تکلم میکنند کار آسانی نیست
 الشهرة انة و انجول راحة

خبردار

این دعاء و تبلیغ از طرف کدام اشخاص با کمال جدیت
 مشغول دعوت انالی شده اند که دایره تبلیغشان
 تا صفحات انکوه و بحث پیدا کرده فریبان و شیعیان
 چه اشخاص هستند و کارشان در آن حد و چیست ؟